

آیا...
کالچ...
مکانی...
قسمت...
جای...
GDP...
سنگای...
سنگاه...
۱۹۶۳...
حرف...
کلیات علم اقتصاد...
نسل...
محل...
را...
دانش...
ترجمه...
حاصل...
مجموع...

سرشناسه	عاصم اوغلو، دارون، ۱۹۶۷ - م.
عنوان و نام پدیدآور	Acemoglu, Daron کلیات علم اقتصاد/ دارون عجم اوغلو، دیوید لیبسون، جان ای لیست؛ ترجمه سید علیرضا بهشتی شیرازی، محمد حسین نعیمی پور.
مشخصات نشر	تهران: روزنه، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۱۱۳۴ ص.: مصور، جدول، نمودار.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۷۵۶-۷
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	عنوان اصلی: Economics 2015.
موضوع	اقتصاد
موضوع	Economics
شناسه افزوده	لیبسون، دیوید ای.
شناسه افزوده	Laibson, David I.
شناسه افزوده	لیست، جان ای، ۱۹۶۸ - م
شناسه افزوده	List, John A.
شناسه افزوده	بهشتی شیرازی، سید علیرضا، مترجم
شناسه افزوده	نعیمی پور، محمد حسین، ۱۳۶۲ - مترجم
رده بندی کتبی	۱۳۹۱/۵ ج ۲/۵۸ HB
رده بندی دیویی	۲۰۰
شماره کتابشناسی ملی	۰۰۹۲۲



کلیات علم اقتصاد

دارون عجم اوغلو - دیوید لیبسون - جان ای لیست

ترجمه: سید علیرضا بهشتی شیرازی، محمد حسین نعیمی پور

چاپ اول: ۱۳۹۷

قیمت: ۱۴۹۵۰۰ تومان

چاپ و صحافی: واژه پرداز اندیشه

آدرس: خیابان مطهری، خیابان میرزای شیرازی جنوبی، پلاک ۲۰۲، طبقه ۳، انتشارات روزنه

تلفن: ۸۸۵۳۶۳۱ - ۸۸۵۳۷۳۰ نمابر: ۸۶۰۳۴۳۵۹

سایت: www.rowzanehnashr.com

telegram.me/rowzanehnashr rowzanehnashr

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۷۵۶-۷ ISBN: 978-964-334-756-7

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است

بخش اول: مقدمه‌ای بر علم اقتصاد.....	۴۱
فصل ۱. اصول و کاربرد علم اقتصاد.....	۴۳
فصل ۲. روش‌های اقتصادی و پرسش‌های اقتصادی.....	۷۳
فصل ۳. بهینه‌سازی: انجام دادن بهترین کاری که ممکن است.....	۱۰۹
فصل ۴. تقاضا، عرضه و تعادل.....	۱۳۷
بخش دوم: مبانی اقتصاد.....	۱۷۹
فصل ۵. مصرف‌کنندگان و انگ‌ها.....	۱۸۱
فصل ۶. فروشندگان و انگ‌ها.....	۲۲۹
فصل ۷. رقابت و دست نامرئی.....	۲۸۱
فصل ۸. تجارت.....	۳۲۷
فصل ۹. پیامدهای خارجی و کالاهای عمومی.....	۳۷۵
فصل ۱۰. دولت در اقتصاد: مالیات‌ستانی و تنظیم‌گری.....	۴۲۳
فصل ۱۱. بازارهای عوامل تولید.....	۴۴۸
بخش سوم: ساختار بازار.....	۵۰۱
فصل ۱۲. انحصار.....	۵۰۱
فصل ۱۳. نظریه بازی‌ها و بازی راهبردی.....	۵۵۱
فصل ۱۴. انحصار چندجانبه و رقابت انحصاری.....	۵۸۷
بخش چهارم: افزودن به جعبه ابزار اقتصاد خرد.....	۶۳۱
فصل ۱۵. بده‌بستان‌ها مرتبط با زمان و خطرپذیری.....	۶۳۳
فصل ۱۶. اقتصاد اطلاعات.....	۶۶۵
فصل ۱۷. حراجی‌ها و چانه‌زنی.....	۶۹۷
فصل ۱۸. اقتصاد اجتماعی.....	۷۳۷
بخش پنجم: مقدمه‌ای بر اقتصاد کلان.....	۷۷۵
فصل ۱۹. ثروت ملی: تعریف و اندازه‌گیری مقادیر کلی اقتصاد کلان.....	۷۷۷
فصل ۲۰. درآمدهای کل.....	۸۲۹
بخش ششم: رشد بلندمدت و توسعه.....	۸۶۷
فصل ۲۱. رشد اقتصادی.....	۸۶۹
فصل ۲۲. چرا همه جهان توسعه یافته نیست؟.....	۹۲۳
بخش هفتم: تعادل در اقتصاد کلان.....	۹۶۳
فصل ۲۳. اشتغال و بیکاری.....	۹۶۵
فصل ۲۴. بازار اعتبارات.....	۱۰۰۳
فصل ۲۵. نظام پولی.....	۱۰۴۳
فصل ۲۶. نوسانات کوتاه‌مدت.....	۱۰۸۹
فصل ۲۷. سیاست ضدچرخه‌ای در اقتصاد کلان.....	۱۱۳۷
بخش نهم: اقتصاد کلان در یک اقتصاد جهانی.....	۱۱۸۱
فصل ۲۸. اقتصاد کلان و تجارت بین‌الملل.....	۱۱۸۳
فصل ۲۹. ویژگی‌های کلان اقتصاد باز.....	۱۲۱۹

آموزش نحوه بهینه‌سازی به افراد می‌توانیم تصمیمات و کیفیت زندگی آنها را بهبود ببخشیم. در پایان این دوره درسی همه دانشجویان باید بدون آنکه از ریاضیات پیچیده استفاده کنند و صرفاً از روی شش اقتصادی یک بهینه‌یاب متبحر باشند.

اصل کلیدی دوم بسط‌دهنده قاعده نخست است: نظام‌های اقتصادی در «تبادل» عمل می‌کنند. تبادل به معنای وضعیتی است که در آن همگان به طور هم‌زمان در جهت بهینه‌سازی می‌کوشند. ما می‌خواهیم دانشجویان بدانند فقط آنها نیستند که دارند رفاه خود را به حداکثر می‌رسانند. یک نظام اقتصادی زمانی در تبادل است که هر فرد احساس کند نمی‌تواند با اتخاذ شیوه‌ای دیگر عملکرد بهتری داشته باشد. اصل تبادل ارتباطات میان کنشگران اقتصادی را برجسته می‌سازد. برای مثال فروشگاه‌های «اپل» میلیون‌ها آیفون را در انبار نگه می‌دارند، زیرا میلیون‌ها مصرف‌کننده قرار است بخرند و آنها را بخرند. به نوبه خود میلیون‌ها مصرف‌کننده نیز از آن رو به مراکز عرضه ابل می‌روند که این فروش گاه‌گاه آماده فروش آیفون هستند. در حالت تبادل مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان به طور هم‌زمان در حال بهینه‌یابی هستند و بنابراین درهم تنیده است.

دو قاعده اول و دوم یعنی بهینه‌سازی و تبادل - قواعدی مفهومی هستند؛ اما تعریف «روش شناختی» است: «روش تجربی». اقتصاددانان از «داده‌ها» استفاده می‌کنند تا نظریه‌های اقتصادی را بیازمایند، در مورد جهان بیاموزند و با سیاست‌گذاران سخن بگویند. از این رو «داده‌ها» نقشی اساسی در کتاب ما بازی می‌کنند، هرچند که ما تحلیل‌های تجربی را در نهایت سادگی ارائه خواهیم کرد. به نظر ما همین تأکید بر متناظر کردن نظریه‌ها و داده‌های واقعی است که مهمترین وجه تمایز این کتاب از سایر کتب اقتصاد

ما عاشق علم اقتصاد هستیم. ما از نحوه کار نظام‌های اقتصادی در شگفتیم. وقتی یک گوشی هوشمند خریداری می‌کنیم، به زنجیره پیچیده عرضه آن و صدها هزار نفری می‌اندیشیم که در تولید این فناوری پرهیت نقش دارند؛ فناوری که با سرهم کردن قطعات تولیدشده در سرتاسر جهان پدید می‌آید.

توانایی بازار در به اتمام رساندن امور جهان، بدون آنکه کسی مستقیماً در این زمینه مسئول داشته باشد، دست‌کمی از وجود شعور یا خود حیا ندارد. ما معتقدیم خلق نظام بازار یکی از بزرگترین دستاوردهای بشری است.

ما این کتاب را نوشتیم تا سادگی انداره‌های اقتصادی و قدرت فوق‌العاده آنها را در توضیح، پیش‌بینی و اصلاح آنچه در جهان رخ می‌دهد برجسته سازیم. ما می‌خواهیم دانشجویان بر قواعد «اساسی» تحلیل اقتصادی اشراف پیدا کنند. با چنین هدفی در ذهن، ما به شناسایی سه انگاره کلیدی می‌پردازیم که در کانون رویکرد اقتصادی برای فهم رفتار بشر قرار دارند: بهینه‌یابی، تبادل و روش تجربی. این سه کلمه انتزاعی از سه انگاره نمایندگی می‌کنند که در عمل بسیار شهودی هستند.

بینش ما: سه مضمون وحدت‌بخش

اولین قاعده اساسی آن است که افراد می‌کوشند بهترین گزینه در دسترس را انتخاب کنند: این یعنی بهینه‌یابی. فرض ما بر آن نیست که انسان‌ها همواره در بهینه‌سازی موفق‌اند، ولی معتقدیم که آنها در این جهت تلاش می‌کنند و اغلب در این کار به توفیق نسبی دست می‌یابند. از آنجا که سعی بیشتر تصمیم‌گیرندگان متوجه گزینه‌ای است که بیشترین سود خالص را در بردارد، بهینه‌سازی ابزار مفیدی برای پیش‌بینی رفتار بشر به حساب می‌آید. با

در تبیین رشد اقتصادی کشورها و نیز پاسخ به این پرسش دارد که چرا ما از رفاه بسیار بیشتری نسبت به بستگان خود در همین چند نسل پیش برخورداریم.

تجربه به ما می‌گوید دانشجویانی که اولین درس اقتصاد خود را می‌گذرانند اغلب تصور می‌کنند این علم مجموعه‌ای از ادعاهای نظری است که پایه‌های تجربی اندکی دارند. ما با استفاده از داده‌ها توضیح می‌دهیم که اقتصاددانان چگونه بینش علمی ما را مورد ارزیابی قرار می‌دهند و ارتقاء می‌بخشند. داده‌ها همچنین به یاد سپردن مفاهیم را امکان‌پذیرتر می‌سازند. استفاده از شواهد به دانشجویان یاری می‌دهد تا حس و شمه اقتصادی پیدا کنند. زیرا داده‌ها بحث را از اصول انتزاعی به واقعیات ملموس می‌کشانند. هر فصل نوری بر نحوه استفاده اقتصاددانان از داده‌های اطلاعاتی برای پاسخ گفتن به سوالات می‌افکند، سوالاتی که به صورت مستقیم مورد علاقه دانشجویان هستند. بدین ترتیب هر فصل بخش کلیدی شواهد و مستندات را در پیشبرد علم اقتصاد به نمایش می‌گذارد.

تلقی می‌شود. ما به دانشجویان نشان خواهیم داد چگونه اقتصاددانان برای پاسخ به پرسش‌های مشخص از داده‌ها استفاده می‌کنند؛ امری که سبب ملموس، جالب و بامزه شدن فصول این کتاب خواهد شد. دانشجویان امروزی خواستار مستنداتی هستند که در پس نظریه‌ها وجود دارد، و کتاب ما این خواسته را برآورد می‌سازد.

برای مثال، ما هر فصل را با یک پرسش تجربی آغاز می‌کنیم و سپس با استفاده از داده‌ها به آن پاسخ می‌دهیم. یکی از فصول با این سؤال شروع می‌شود: «آیا یک سیگاری حاضر ترک‌آباد خود در ازاء ۱۰۰ دلار در ماه می‌شود؟»

سپس در این فصل شرح می‌دهیم که چگونه وقتی محققین برای ترک سیگار به سیگاری‌ها پول پرداختند، میزان کشیدن سیگار کاهش یافت. فصلی دیگر با این پرسش آغاز می‌شود:

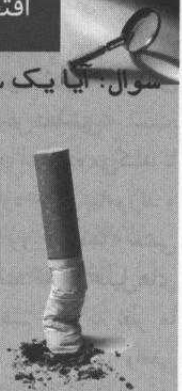
«چرا شما بسیار مرفه‌تر از اجدادتان هستید؟»
در ادامه این فصل، نشان می‌دهیم که فناوری نقشی محوری

اقتصاد مبتنی بر شواهد

سوال: آیا یک سیگاری حاضر می‌شود در ازای دریافت ۱۰۰ دلار در ماه اعتیادش را ترک کند؟

در آغاز این فصل ما پرسشی مطرح کردیم درباره آن که آیا «یک سیگاری عادت خود را در ازای ۱۰۰ دلار در ماه ترک خواهد کرد». یک رویکرد درون آزمایش علم اقتصاد، که در حال کسب محبوبیت است، آن است که به افراد «پول بپردازید» تا سیگار را ترک کنند. ابزارهای این فصل قادرند ما را یاری دهند تا شروع به تفکر در این پاره کنیم که آیا چنین انگیزه‌ای می‌تواند اثربخش باشد، و چرا ممکن است اثربخش باشد.

ما با اندیشیدن درباره چنین پاداش‌هایی آموختیم که اثرگذاری افزایشی در درآمد سبب تغییرات در قید بودجه مصرف‌کننده و متعاقباً در تقاضای کالاها و خدمات می‌شود. برای آن که این ابزارها را در میدان عمل مشاهده کنیم، به مثال خرید و خرجانه بازی می‌گردیم. سند ۵-۵ پویایی‌هایی را نشان می‌دهد که در پس اثرات یک افزایش در آنچه برای هزینه کردن در دسترس داریم وجود دارد.



زحمتش می‌ارزد؟»، «آیا مناطق استوایی و نیمه‌استوایی به خاطر جغرافیایی‌شان محکوم به فقرند؟»، «چه چیز سبب رکود ۲۰۰۹-۲۰۰۷ شد؟»، «آیا شرکت‌هایی مانند «نایک» دارند به کارگران ویتنامی صدمه می‌زنند؟»

• «بگذاریم داده‌ها سخن بگویند» بخش جنبی دیگری است که یک پرسش اقتصادی را با مبنا قرار دادن داده‌های واقعی تحلیل می‌کند. در میان موضوعات بسیاری که بررسی خواهیم کرد عناوینی چون اینها وجود دارد: «مک‌دونالد و کک‌ش»، «تجارت منصفانه»، «جنگ قیمت خطوط هوایی»، «امید به زندگی و نوآوری»، «زندگی در جهان به هم وابسته» و «چرا مقامات چین برای دهه‌ها ارزش یوان را پایین نگاه داشته‌اند؟»

ما راساً با مضمون بهینه‌یابی، ما در مطلب جنبی دیگری عنوان «انتخاب و پیامد» گهگاه از دانشجویان می‌خواهیم تا یک تصمیم اقتصادی واقعی بگیرند یا به ارزیابی پیامدهای تصمیمات واقعی که در گذشته اتخاذ شده پیرازند. ما توضیح

مطالب جنبی

تمامی مطالب جنبی ارائه شده در این کتاب حاوی سؤال‌های تجربی روشن و قابل فهم هستند.

• ذیل عنوان «اقتصاد مبتنی بر شواهد» (EBE)، ما نشان می‌دهیم چگونه اقتصاددانان داده‌ها را به کار می‌بندند تا به پرسشی که در فراز ابتدایی فصل مطرح شده است پاسخ دهند. در این بخش‌ها از داده‌های واقعی که برخی مفاهیم اصلی ما بحث در طول فصل را برجسته می‌سازند استفاده می‌شود. این پیوند با داده‌ها دانشجویان را به نگاهی واقع‌بینانه نسبت به آنچه در دنیای پیرامون‌شان در جریان است بهتر می‌سازد. پرسش‌هایی که مورد واکاوی قرار می‌گیرد شامل انگیزه‌هایی بی‌روح و روشفکرانه نیستند؛ این پرسش‌ها همین که دانشجو پا به بیرون از کلاس می‌گذارد به یکباره جان می‌گیرد. به حرکت درمی‌آیند: «آیا فیس‌بوک مجانی است؟»، «آیا اینترنت ارزشش را دارد؟»، «آیا تجارت آزاد باعث می‌شود شما شغل‌تان را از دست بدهید؟»، «آیا خود را جای دیگری گذاشتن به

اقتصاد مبتنی بر شواهد



سوال: چرا شما بسیار بهروزتر از اجداد خود هستید؟

بحث نظری در بخش قبلی از نقش کانونی فناوری در تبیین رشد باثبات حمایت می‌کند. ما اینک خواهیم دید که شواهد تجربی نیز این نتیجه‌گیری را که فناوری نقش کلیدی دارد مورد تأیید قرار می‌دهند. برای ارزیابی منابع رشد اقتصادی آمریکا ما از همان راهبر فصل پیشین پیروی خواهیم کرد. در اینجا ما از تابع تولید کل و تخمین‌های موجودی سرمایه مادی و واحدهای کارایی نیروی کار در میان کشورهای مختلف برای ارزیابی نقش این عوامل در تفاوت‌های بین‌کشوری GDP استفاده کردیم. در اینجا تنها تفاوت آن است که داده‌های اطلاعاتی با کیفیت‌تر آمریکا ما را قادر می‌سازد تا تحلیلی در مورد GDP به ازای ساعت کار صورت گرفته، به جای GDP به ازای کارگر انجام دهیم و بدین ترتیب می‌توانیم مقدار نهاده نیروی کار را به صورت دقیق‌تری اندازه بگیریم. اما تحلیل را از سال ۱۹۵۰ آغاز می‌کنیم.



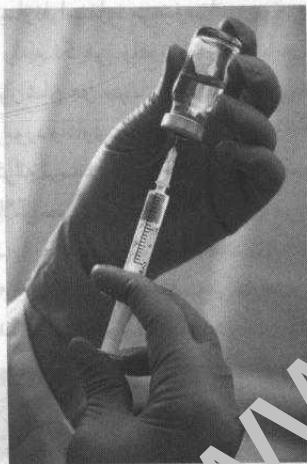
بازار»، «تراژدی مشاعات عمومی»، «قدرت رشد»، «کمک‌های خارجی و فساد» و «خط‌مشی‌هایی جهت رسیدگی به معضل بانک‌هایی که بزرگتر از آن‌اند که شکست بخورند».

می‌دهیم که یک اقتصاددان چگونه تصمیمی مشابه را تحلیل می‌کند. در میان «انتخاب‌ها» بی‌کی‌مورد مطالعه قرار گرفته است پرسش‌ها و مفاهیم زیر دیده می‌شود:

«پیامدهای ناخواسته ثابت نگه داشتن قیمت‌ها در

اجازه دهیم داده‌ها سخن بگویند

امید به زندگی نوآوری



۷۰ سال پیش از این امید به زندگی در اسرائیل همان کمتر از امروز بود (۴). در سال ۱۹۴۰ نرخ مرگ و میر کودکان در اردان چنان بالا بود و امراض مبتلا به افراد بالغ، مانند ذات‌الریه و سل، چنان کشنده (و غیرقابل علاج) به حساب می‌آمد که امید به زندگی بسیار پایین‌تر از آن بود. در سال ۳۰ میلادی، به عنوان مثال برای یک نفر در هند متوسط امید به زندگی در هنگام تولد ۳۰ سال بود، که رقمی بسیار پایین است. در ونزوئلا این رقم ۳۳، در اندونزی ۳۴، و در برزیل ۳۶ سال بود. امید به زندگی در میان بسیاری از ملل غربی نیز پایین بود، ولی به صورتی قابل توجه با افزایش یافته بود. مشابه در کشورهای فقیرتر بود. در نظر داشته باشید که [در آن زمان] امید به زندگی در هنگام تولد در آمریکا ۶۴ سال بود.

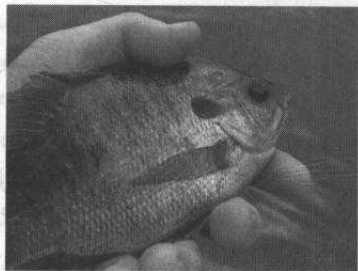
در جریان سه یا چهار دهه بعدی این تصویر به شدت تغییر کرد. همان‌گونه که در فصل قبل دیدیم امروزه در عین حال که شکاف میان امید به زندگی میان ملل غنی و فقیر هنوز وجود دارد، شرایط سلامت در سراسر جهان، خصوصاً تا پیش از شیوع ایدز در جنوب صحرای آفریقا، که از اوایل دهه ۱۹۸۰ آغاز شد، به صورت چشمگیری بهبود یافت. در ۱۹۹۹ امید به زندگی در هنگام تولد در هند ۶۰ سال بود. این دو برابر اندازه این سنجه در سال ۱۹۴۰ است. این عدد همچنین ۵۰ درصد بیشتر از امید به زندگی در هنگام تولد در انگلستان ۱۸۲۰ است (۴۰ سال) که GDP سرانه‌ای مشابه با هند ۱۹۹۹ داشت. چگونه این بهبود عظیم در شرایط سلامتی کشورهای فقیر روی داد؟ پاسخ در پیشرفت‌های تعیین‌کننده علمی و اختراعات صورت گرفته در آمریکا و اروپای غربی در طول قرن بیستم است. در درجه اول موجی از اختراعات دارویی، از همه مهم‌تر محصولات به شدت مؤثر در مقابل عوامل اصلی مرگ‌ومیر در کشورهای در حال توسعه به راه افتاد. از اوایل دهه ۱۹۵۰ پنیسیلین، که درمانی مؤثر علیه طیفی از عفونت‌های میکروبی فراهم می‌کرد به صورت گسترده‌ای در دسترس قرار گرفت. در همین دوره توسعه

واکسن‌های جامع شامل واکسن‌های تپ‌زرد و آبله، نیز از اهمیت برخوردار است. دومین عامل در دسترس د.د.ت. (دی‌کلورو‌دیفنیل‌تری‌کلرو‌اتیلن) بود. استفاده مفرط از د.د.ت. عنوان یک سم زراعی اگرچه در نهایت به یک خطر محیط‌زیستی تبدیل شد استفاده ابتدایی از آن نقشی انقلابی در کنترل امراض داشت. د.د.ت. در آن‌ها برای کنترل مالاریا، به عنوان یکی از عمده‌ترین عوامل مرگ‌ومیر کودکان، در مناطق نسبتاً فقیر جهان یک تحول به وجود آورد. سرانجام با تأسیس سازمان بهداشت جهانی و کمک‌های آن اقدامات ساده و اما مؤثر پزشکی و بهداشت عمومی، از جمله استفاده از گرد او، آراس و جوشاندن آب برای جلوگیری از وبا به کشورهای فقیرتر گسترش پیدا کرد.



مسابقه برای صید ماهی

این خط فکری چه بسا منجر شود که همگان صید را تا آنجا ادامه دهند که مطلقاً چیزی باقی نماند. همان گونه که اکنون آموختید، این وضعیت «تراژدی مشاعات» خوانده می‌شود؛ تنگنایی که در آن افراد متعددی که بر اساس منفعت شخصی خود عمل می‌کنند یک منبع محدود مشترک را در حالی اقام می‌رسانند که در بلندمدت چنین کاری به نفع هیچ کس نیست. چگونه ممکن است ماهیگیران مثال ما از وقوع این وضعیت را جلوگیری کنند؟



1. Elinor Ostrom

تصور کنید یک ماهیگیر هستی با برکای اختصاصی که ۱۰۰ ماهی بلوگیل در آن وجود دارد. چون صاحب حقوق مالکیت برکه هستید، تنها کسی به حساب می‌آید که می‌تواند در آن ماهی بگیرد. بنابراین می‌توانید به هر میزان که می‌خواهید صید کنید. اما شما می‌دانید که در بهار گذشته ماهی‌های ماده حدود ۴۰۰۰ تخم در یک آشیانه کم عمق نزدیک ساحل شنی گذاشته‌اند. طی دو تا شش روز آینده شما سر بازمی‌کنند و نرها از بچه ماهی‌های کوچک در طول نخستین بره‌های زندگی‌شان محافظت خواهند کرد. با دانستن این نکته چه تعداد ماهی صید خواهید کرد؟

احتمال خواهد داشت که شما تصمیم به صید تمام بلوگیل‌ها نگیرید، و در عوض بسیاری از آنها را در برکه باقی بگذارید تا وجود خود را برای فصل آینده مجدداً پر کنید.

اکنون تصور کنید این برکه یک منبع مشاع است. هر کس می‌تواند در آن ماهی بگیرد و یک ماهی بیشتر بر قلاب ماهیگیر دیگری به معنای یک ماهی کمتر بر قلاب ماهیگیری شما به حساب می‌آید. شما هم‌چنان مراقبید که ماهی‌های زیادی را در برکه برای فصل آینده باقی بگذارید؟ هم موقعیت‌های دنیای واقعی و هم تجارب آزمایشگاهی اجرا شده توسط پرنده‌جایزه نوبل الینور اوستروم^۱ به ما نشان داده است که احتمالاً شما چنین نمی‌کنید. (۷) و (۸) با این همه، اگر شما تصمیم بگیرید، مثلاً، ۵۰ ماهی در برکه باقی بگذارید، چه کسی ماهیگیر دیگر را از صید آنها بازمی‌دارد؟

سازمان کتاب

سعی در بهر سازمان انفرادی شرایط خود می‌کنند. در حالت تعادل هیچ گونه معنی در تغییر رفتار فرد وجود ندارد. ما برای توضیح اینکه چگونه بهینه‌یابی فردی الزاماً به بهینه‌یابی اجتماعی نمی‌انجامد مسئله بحالی سواری را پیش می‌کشیم.

از آنجا که داده‌ها نقشی محوری در اقتصاد ایفا می‌کنند، یک فصل کامل - فصل ۲ - را به مدل‌های اقتصادی، روش علمی، آزمون‌های تجربی و تمایز اساسی میان همبستگی و علیت اختصاص داده‌ایم. ما نشان می‌دهیم چگونه اقتصاددانان از مدل‌ها و داده‌ها برای پاسخ به پرسش‌های جالب دربارهٔ

بخش اول یا «مقدمه‌ای بر علم اقتصاد» زیربنای لازم را برای درک شیوه اقتصادی تفکر در مورد جهان فراهم می‌سازد. در فصل ۱ نشان می‌دهیم که قاعده «بهینه‌یابی» بیشتر انتخاب‌های ما را توضیح می‌دهد. به عبارت دیگر ما انتخاب‌های خود را براساس در نظر گرفتن منافع و هزینه‌ها صورت می‌دهیم و برای انجام این کار نیازمند توجه به بده‌بستان‌ها، قیدهای بودجه، و هزینه فرصت هستیم. سپس توضیح می‌دهیم که تعادل [نتیجه] وضعیتی است که در آن همگان به طور هم‌زمان و به صورت انفرادی

بخش دوم «مبانی اقتصاد خرد» با واکاوی عمیق‌تر سرچشمه‌های عرضه و تقاضا پایه‌های اقتصاد خرد را تحکیم می‌کند. مسئله مهمی که ما به عنوان آموزگاران این علم آموخته‌ایم آن است که اغلب دانشجویان، حتی پس از سیری کردن یک سال از درس اقتصاد، درباره بنیان‌های منحنی‌های عرضه و تقاضا واقعاً بی‌اطلاع‌اند؛ به طور خاص در مورد اینکه این منحنی‌ها به راستی از کجا می‌آیند. بیشتر کتب درسی این موضوعات را روشن نمی‌کنند.

وقتی فصل‌های ۵ و ۶ را طراحی می‌کردیم هدف‌مان آن بود که دو فصل مستقل ارائه کنیم که به دانشجویان نشان دهد مصرف و تولید حقیقتاً دو روی یک سکه به حساب می‌آیند که با انگاره «انگیزه‌ها» به یکدیگر چسبیده‌اند. ما هر یک از مفاهیم مصرف‌کننده و تولیدکننده را تحت چتری مجزا آورده‌ایم و مطالب مرتبط با آنها را که در سایر مطالب درسی در چندین فصل به صورت پراکنده می‌آید، در آنجا یکپارچه ساخته‌ایم. هدف این است که اشتراکات و پیوندها را میان تصمیمات بهینه‌یانه در طرف‌های مصرف‌کننده و تولیدکننده نشان دهیم. با چنین سامانی دانشجویان قادرند کل تصویر را به صورت یکجا در اختیار داشته باشند و بدون نیاز به جلو و عقب رفتن در صفحات جزین فصل دریابند چگونه این مفاهیم به یکدیگر گره می‌خورند.

در فصل ۵، نگی به مس‌پرده می‌اندازیم تا ببینیم منحنی تقاضا به راستی از کجا می‌آید. ما این بخش را که مصرف‌کننده چگونه تصمیم می‌گیرد چه در برخورد در چارچوبی با عنوان «مسئله خریدار» قرار می‌دهیم و در مورد سه جزء کلیدی آن: سلیقه و ترجیحات، قیمت‌ها و مجموعه بودجه به بحث می‌پردازیم. این بحث [کاملاً] شهودپذیر است: همین که این سه جزء در جای خود قرار می‌گیرند، منحنی تقاضا به طور طبیعی پدیدار می‌شود. این رویکرد به تدریج به بحث درباره مازاد

رفتار بشر استفاده می‌کنند. برای دانشجویانی که می‌خواهند مهارت‌های خود را در زمینه نمودارها تقویت کنند، پیوستی در زمینه طراحی و تفسیر نمودارها در نظر گرفته شده است که در بستر یک کارآزمایی واقعی در زمینه طرح‌واره انگیزه‌ها ارائه می‌شود.

فصل ۳ مفهوم «بهره‌یابی» را عمیق‌تر می‌کاود و شامل بحثی شهودی و قابل هم درباره تحلیل «نهایی» است. در طول این بحث، از سال واحدی درباره انتخاب یک آپارتمان استفاده می‌کنیم که دانشجویان را در معرض بده‌بستان میان هزینه اجاره و زمان ایاب و ذهاب قرار می‌دهد. ما دو رویکرد جایگزین یک‌دیگر را به تصویر می‌کشیم: بهینه‌یابی در سطوح و بهینه‌یابی رفتارها - و نشان می‌دهیم که چرا اقتصاددانان اغلب شیوه دوم (نهایی) را در پیش می‌گیرند.

فصل ۴ چارچوب عرضه و تقاضا را به شکل یک نمونه در جریان اجرا از بازار بزمین معرفی می‌کند. نشان می‌دهیم قیمت بزمین چگونه تصمیمات خریدارانی که هر روزه بین محل کار و منزل در سفرند و نیز فروشندگانی چون اگزان موبیل را متأثر می‌سازد. ما ضمن بسط این مدل بررسی می‌کنیم که چگونه خریداران منفرد به یکدیگر افزوده می‌شوند تا منحنی تقاضای بازار را پدید آورند و چطور از جمع فروشندگان منفرد با هم منحنی عرضه بازار به وجود می‌آید. سپس نشان می‌دهیم خریداران و فروشندگان چگونه مشترکاً قیمت تعادلی بازار و مقدار تعادلی کالای معامله شده را در یک بازار رقابت کامل مشخص می‌کنند. سرانجام نشان می‌دهیم چگونه وقتی قیمت‌ها اجازه نمی‌یابند تعدیل شوند تا میزان عرضه و تقاضا را با هم برابر سازند، بازارها از کار می‌افتند.

رقابتی اتفاق می افتد، تصویری از بالا ارائه می دهد. فصل را با این پرسش آغاز می کنیم: آیا بازارهایی که تنها از افراد منفعت طلب تشکیل شده اند می توانند رفاه عمومی جامعه را حداکثر سازند؟ در این فصل هنگامی که نشان می دهیم در یک بازار رقابت کامل دست نامرئی میان منافع افراد و جامعه هماهنگی پدید می آورد زیبایی علم اقتصاد به تمام آشکار می شود. قیمت ها دست نامرئی را هدایت می کنند و خریداران و فروشندگان را انگیزه می بخشد تا به نوبه خود از طریق تخصیص بهینه منابع در درون و میان بخش های اقتصاد، مازاد رفاه جامعه را حداکثر سازند. این فصل از تجارب آزمایشگاهی مهم «ورنون اسمیت» (۱) استفاده می کند تا شواهدی مبنی بر همگرایی قیمت ها و مقادیر [کالا و خدمات] به سوی محل تلاقی عرضه و تقاضا ارائه دهد.

فصل ۸، ابتدا به بحثی درباره منحنی امکانات تولید، مزیت نسبی و منافع حاصل از تجارت ورود می کنیم. سپس بحث را از تجارت افراد با یکدیگر به سمت تجارت میان ایالت ها می بریم. (۲) کتاب مربوط به اصول کلی [علم اقتصاد] یک ابتکار محسوب می شود و در نهایت به تجارت میان کشورها می پردازیم. بنابراین دانشجویان مشاهده خواهند کرد اصولی که آنان را به دادرساند ترویج می کند همان هایی هستند که ایالت ها و کشورها را به تجارت متعصب می سازند. آنها به این درک دست می یابند که در تجارت گاهی برندگان و بازندگان وجود دارد، اما در مجموع منافع حاصل از تجارت بیش از خسارات آن است. در اینجا یک مسئله کلیدی در سیاست گذاری پدید می آید: آیا می توان مازاد رفاه [ایجاد شده برای یک طرف را به دیگری] انتقال داد تا معامله ای بُرد-بُرد برای همه [طرف ها] داشته باشیم؟

اگر دانشجویان در این نقطه از خواندن کتاب دست بکشند، مدافعان متعصب بازار آزاد خواهند بود. این بدان علت است

رفاه مصرف کننده، کشش های طرف تقاضا و چگونگی واکنش پیش بینی پذیر مصرف کنندگان نسبت به محرک ها (انگیزه ها) خواهد انجامید. بدین ترتیب دانشجویان آمادگی می یابند تا بتوانند نگاهی کل گرایانه به این موضوع داشته باشند که چرا سیاست گذاران و فعالان کسب و کار باید به طرف تقاضای اقتصاد توجه نشان دهند. پیوستی درباره درآمد و اثرات جانشینی به عنوان مکمل این بحث برای دانشجویان علاقمند ارائه می شود.

در فصل ۶، از همان ریگرد بهره می گیریم، اما در اینجا عملکرد یک شرکت معیار را دنبال می کنیم، (شرکت «ویسکانسین چیزمن» که یکی از سرسندگان ایر کتاب در دوران دبیرستان خود برای دو فصل تابستان در آنجا مشغول به کار بود) تا «مسئله فروشنده» را نشان دهیم. «مسئله فروشنده» خود شامل سه بخش است: تولید، هزینه ها و درآمدها برای آنکه به خوبی در «مسئله فروشنده» تعمق و تأمل کنیم. مسئله آن است که این سه جزء را با هم مطرح می کنیم، نه آنکه به مانند سایر کتب درسی به طور پراکنده و در فصول جداگانه به آنها بپردازیم. وقتی بنگاه انتخاب های خود را بهینه می سازد لازم است به طور هم زمان به این سه جزء توجه داشته باشد؛ پس چرا ما به آنها به صورت یکجا نپردازیم. موضوع ادامه دار شرکت «ویسکانسین چیزمن» موجب به هم پیوستگی مطالب این فصل می شود و آنچه زمانی بازاری دشوار بود که باید به نظم درمی آمد، وقتی در قالب یک مثال واحد و دنباله دار مطرح می شود، به وضوح می رسد. پیوستی برای دانشجویان کنجکاوتر افزوده شده که نشان می دهد برای بنگاه هایی با ساختار هزینه ای متفاوت ممکن است در تعادل بلندمدت سود اقتصادی وجود داشته باشد.

فصل ۷ با در نظر آوردن آنچه در نتیجه کنار هم قرار دادن خریداران فصل ۵ و فروشندگان فصل ۶ در یک بازار کاملاً

وجود دارد، به دلایل اهمیت بازار عوامل تولید - نهاده‌هایی که بنگاه‌ها برای تولید کالا و خدمات به کار می‌گیرند - خواهد پرداخت. این پرسش در بطن گفتگویی عمومی نهفته است که چرا در بازار کار افراد دستمزدهای متفاوتی دریافت می‌کنند. این رویکرد به دانشجویان فرصت می‌دهد تا گذاری هموار از جایگاه یک تقاضاکننده (آن طور که در فصل ۵ در قالب یک خریدار توصیف شد) به سوی یک عرضه‌کننده (نیروی کار) داشته باشند. مباحثی که در مورد سایر عوامل اصلی تولید - سرمایه فیزیکی و زمین - در علم اقتصاد مطرح است به طور طبیعی از همان مباحث مربوط به نیروی کار پیروی می‌کند. این فصل با ارائه شماری از مجموعه داده‌های جالب به پایان می‌رسد که به ارزیابی وجود یا فقدان تبعیض در بازار کار می‌پردازند.

بخش سوم ساختار بازار جایگزین‌های بازار رقابت کامل را معرفی می‌کند: انحصارات، انحصارهای چندجانبه و رقابت انحصاری. این بخش همچنین ابزارهای لازم جهت درک ساختار این بازارها را فراهم می‌آورد.

فصل ۱۲ درباره انحصار است و ذهن دانشجو را با فصل ۶ - رسیدن به آن مسئله فروشنده را بررسی کردیم. در این فصل هم مفاهیم مربوط به تولید و هزینه که پیشتر آموختیم به کار گرفته می‌شوند. تولید تا جایی باید ادامه یابد که هزینه نهایی و درآمد نهایی به برابری برسند. برای روشن کردن «مسئله انحصارگر» از مثال جریان یک داروی ضد آلرژی به نام کلاریتین و با حقوق انحصاری ۲۰ ساله‌اش بهره می‌گیریم تا نشان دهیم چگونه یک انحصارگر به بهینه‌یابی می‌پردازد. بار دیگر استعاره دست نامرئی شکسته را به کار می‌بندیم تا نشان دهیم چگونه یک بنگاه انحصاری منابع را به نفع خود تخصیص مجدد می‌دهد و بدین ترتیب اضافه رفاه اجتماعی را به مسلخ می‌برد. در این مرحله دانشجو ممکن است از اینکه چرا اصلاً دولت این قدرت قانونی را [به کسی] اعطا می‌کند به حیرت

که زیبایی بازار آزاد بی‌بدیل است. فصل ۹ بحثی را درباره موارد مهم ناکامی در عملکرد دست نامرئی آغاز می‌کند، مثل وقتی که برخی بنگاه‌ها در جریان تولید آب‌وهوا را می‌آلودند. برخی کالاها همچون دفاع ملی، وقتی تولید می‌شوند همگان امکان مصرف آنها را دارند. فصل ۹ به بررسی سه مورد از موارد شکست بازار - پدیده‌های خارجی، کالاهای عمومی و منابع عمومی مشترک (کالاهای مشاع) و بر یک پیوند پر اهمیت تأکید می‌کند: در همه این سه مورد میان منافع عمومی و خصوصی و نیز هزینه‌های خصوصی و خصوصی‌ت‌های وجود دارد. دانشجویان می‌آموزند که دست نامرئی تشریح شده در فصل ۷ ممکن است از کار بیفتد. دست نامرئی را دولت با توجه به پیامدهای خارجی خط‌مشی‌هایی که پیش می‌گیرد تا رفاه عمومی را بهبود بخشد، کالاهای عمومی تولید کند، از منابع عمومی مشاع حفاظت نماید.

اما مداخله دولت می‌تواند یک شمشیر دولبه باشد. در فصل ۱۰ این پرسش را مطرح می‌کنیم که «چه میزان از مداخلات دولت ضروری و چه میزان از آن مطلوب است؟» ما تصویری کلی از نحوه مالیات‌ستانی و هزینه‌کرد [توسط دولت] ارائه می‌دهیم و مطالعه می‌کنیم که چگونه «ظارت و کنترل» - به عنوان ابزار اصلی دولت‌ها برای مواجهه با پیامدهای خارجی و سایر موارد شکست بازار در فصل ۱۰ - با هزینه‌ها و محدودیت‌های خاص خود روبرو است. ما مشاهده خواهیم کرد که بده‌بستان میان برابری و کارایی غایبانگر گرهی است که در درگیری میان هواداران دولت‌های بزرگ و طرفداران دولت‌هایی با اندازه کوچکتر وجود دارد. در قسمت «اقتصاد مبتنی بر شواهد» در پایان این فصل، با واکاوی هزینه سنگین جمع‌آوری مالیات بر درآمد به سراغ مسئله پردرآمدان بهینه دولت می‌رویم.

فصل ۱۱ با طرح این پرسش که آیا در بازار کار تبعیضی

بخش چهارم افزودن به جعبه ابزار اقتصاد خرد مجموعه‌ای از موضوعات خاص و فصول اختیاری را ارائه می‌دهد که بسته به مباحثی که مدرس قصد تأکید بیشتری بر آنها دارد می‌تواند آنها را تدریس کند. ما این فصول را به این علت آورده‌ایم که احساس می‌کنیم دانشجویان در موارد بسیاری فرصت نمی‌یابند تا کاربردهای بی‌شمار و جالبی را که از ماه‌ها آموزش اصول اساسی اقتصاد می‌توان نتیجه گرفت، ببینند!

فصل ۱۵ به بده‌بستان‌هایی در مورد زمان و ریسک (خطرپذیری) می‌پردازد. فصل با این پرسش آغاز می‌شود که زمانبندی یک پاداش چگونه بر ارزش اقتصادی آن تأثیر می‌گذارد. ما نشان خواهیم داد که چگونه بهره مرکب به رشد ارزش سرمایه‌گذاری در طول زمان می‌انجامد. همچنین نحوه تنزیل جریان‌های مالی آتی و اتخاذ تصمیمات مالی با استفاده از راجوب ارزش فعلی خالص را نشان می‌دهیم. بخش دوم این فصل دربارهٔ احتمالات و خطرپذیری (ریسک) بحث می‌کند و نحوه محاسبه ارزش مورد انتظار را توضیح می‌دهد. از این انگاره‌ها برای مطالعه شرط‌بندی، تمهید ضمانت‌نامه‌ها و بیمه استفاده می‌کنیم.

چرا یک خریدار نمی‌تواند به محض آنکه از پارکینگ [فروشنده] در می‌آید میزان قبلی را بپردازد؟ این سؤال را از دست می‌دهد؟ **فصل ۱۶** به بررسی بازارهایی می‌پردازد که برای همه ما آشنا هستند - بازارهایی که در آنها یک طرف معامله اطلاعات بیشتری از طرف دیگر دارد. این فصل ناهمگونی اطلاعات میان فروشندگان و خریداران را از لحاظ ویژگی‌های پنهان (برای مثال استفادهٔ یک فرد بیمار از بیمهٔ درمانی محتمل‌تر است) و اقدامات پنهان (برای مثال، یک شخص بیمه‌شده با احتمال بیشتری در رانندگی بی‌احتیاطی خواهد کرد) بررسی می‌کند. در طی این مسیر ما نگاهی می‌اندازیم به موضوعات متعددی که با این مسئله مناسب دارد؛ از جمله خودروهای

بیافند. پرسش آغازین فصل: «آیا ممکن است یک انحصارگر برای جامعه سودمند باشد؟» با ارائهٔ شواهدی مبنی بر «امکان» مفید بودن انحصار برای جامعه روی دیگر سکه را مورد بحث قرار می‌دهد.

تا اینجا کتاب به بیشتر موضوعاتی را که در کتاب‌های موجود کلیات علم اقتصاد ساده‌تر می‌شود پوشش داده‌ایم. فصل ۱۳ نقطهٔ عزیمتی برای بحث اساسی است. ما تمامی این فصل را به «نظریهٔ بازی‌ها» اختصاص داده‌ایم؛ نظریه‌ای که سرچشمهٔ برخی از نیرومندترین بخش‌های اقتصادی است. تأکید ما بر این است که خود را جای بازیگر گذاشتن به ما کمک می‌کند تا درک بهتری از جهان داشته باشیم. این عمل، دانشجویان را به عمیق‌تری نسبت به نحوهٔ درک بیشتر راهبردها، راه‌ها که بهترین واکنش به راهبردهای دیگران است به دست می‌آورد. ما از نظریهٔ بازی‌ها در موقعیت‌های بسیاری بهره می‌بریم؛ که از میان آنها می‌توان از آلودگی، فوتبال و تبلیغات را نام برد.

در فصل ۱۴ دو نوع ساختار بازار را به تصویر می‌کشیم: به میان دو حد نهایی رقابت کامل و انحصار قرار گرفته‌اند: انحصار چندجانبه و انحصار رقابتی. ما این فصل را پیرامون این پرسش جالب بسط خواهیم داد که برای ایجاد یک بازار رقابتی به چه تعداد بنگاه نیاز است. در طول این فصل تأکید ما بر نحوهٔ تعیین قیمت و میزان تولید توسط بنگاه‌ها در بازار انحصار چندجانبه و انحصار رقابتی است، که با توجه به انتخاب‌های صورت گرفته توسط رقبایشان تکلیف آن تعیین می‌شود. پیوند میان این فصل با فصل‌های پیشین با صورت‌بندی این بحث در قالب مسئلهٔ بهینه‌سازی برای این بنگاه‌ها برقرار می‌گردد: «مسئلهٔ انحصارگران چندجانبه» و «مسئلهٔ انحصارگران رقیب». ما نشان خواهیم داد که چگونه این موضوع (بهینه‌یابی) در کوتاه‌مدت برای مسئلهٔ انحصارگر و در بلندمدت برای مدل رقابت کامل یکسان است.

بخش پنجم مقدمه‌ای بر اقتصاد کلان به معرفی این حوزه می‌پردازد. در فصل ۱۹ ابزارهای اندازه‌گیری پایه را تشریح می‌کنیم. در اینجا ما ریشه‌های تولید کل در اقتصاد، یا همان تولید ناخالص داخلی (GDP)، را از طریق روش‌های [موسوم به] تولید، هزینه و درآمد مورد مطالعه قرار داده و توضیح می‌دهیم چرا تمامی این روش‌ها با یکدیگر معادل‌اند و در محاسبه سطح تولید ناخالص داخلی به عدد یکسانی می‌رسند. ما همچنین آن چیزهایی را که در محاسبه تولید ناخالص داخلی اندازه‌گیری نمی‌شوند مورد توجه قرار خواهیم داد؛ از آن جمله است محصولات که در خانه برای مصرف خانگی تولید می‌شود. سرانجام درباره اندازه‌گیری تورم و مفهوم شاخص قیمت صحبت می‌کنیم.

در فصل ۲۰ نشان خواهیم داد چگونه درآمد (یا GDP) سرانه کشورها را می‌توان با استفاده از دو تکنیک مشابه - روش نرخ مبادله و روش قدرت خرید - با یکدیگر مقایسه کرد. ما توضیح می‌دهیم تابع تولید کل چگونه انباشت سرمایه فیزیکی، منابع نیروی کار (کل ساعات کار و سرمایه انسانی به ازای هر کارگر) و فناوری را در یک کشور به تولید ناخالص داخلی مرتبط می‌سازد و لذا میان درآمد سرانه با انباشت سرمایه فیزیکی به ازای هر کارگر، سرمایه انسانی و فناوری در یک کشور پیوند ایجاد می‌کند. سپس از این ابزارها جهت بررسی نقش سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی و فناوری در تبیین تفاوت‌های فاحشی در میان رفاه در کشورها وجود دارد بهره می‌بریم.

در قسمت ششم، رشد بلندمدت و توسعه به یک برداشت جامع از رشد و توسعه بازمی‌گردیم. در فصل ۲۱ نشان خواهیم داد که چگونه رشد اقتصادی در طول ۲۰۰ سال گذشته بسیاری از کشورها را متحول کرده است. برای مثال در آمریکای امروزی تولید ناخالص داخلی

اسقاطی در بازار خودروهای دست دوم، کثرتی در بازار بیمه سلامت و مخاطرات اخلاقی در بازارهای ریسک و بیمه. فصل ۱۷ وضعیت‌هایی را می‌کاود که دانشجویان گاه با آنها مواجهند: حراجی‌ها و چانه‌زنی. موضوع بهینه‌بایی را همچنان در بحث از بهترین راهبردها و اصول چانه‌زنی در گستره متنوعی از موقعیت‌ها به بی‌گانه می‌آورد. ما به بررسی چهار نوع رایج حراج می‌پردازیم و در پایان فراهم می‌کنیم مبنی بر اینکه علم اقتصاد چه کمک‌هایی به پیشنهاد قیمت در مزایده‌ها می‌تواند در اختیار قرار دهد - مزایده‌ها و حراجی‌هایی که از «ای بی» تا مزایده مستغلات و تا حراجی‌های حیرت‌آور در برمی‌گیرد. سپس با سرعت بیشتری به سراغ مطالعه فرقیه‌های چانه‌زنی می‌رویم که روزانه زندگی‌مان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. برای آنکه قوت این مدل چانه‌زنی را به تصویر بکشیم، آزمایشی تجربی ارائه می‌کنیم که نشان می‌دهند چه کسی در خانه‌ها تعیین می‌کند چگونه پول خرج شود.

شاید غیر معمول‌ترین فصل برای یک کتاب کلیات علم اقتصاد فصل ۱۸ باشد که در مورد «اقتصاد اجتماعی» است. در اینجا طیف جدیدی از «انسان‌های اقتصادی» را معرفی می‌کنیم. ما دو حوزه متفاوت از رفتار بشر را می‌کاویم: اقتصاد نوع دوستی (امور خیریه) و انصاف، و اقتصاد انتقام‌جویی. پس از آن نگاه دوباره‌ای به مفهوم و ریشه «ترجیحات» می‌اندازیم - آیا ما از مشارکت در امور خیر یا گرفتن انتقام از دشمنان آشکارمان رضایت‌مندی به دست می‌آوریم. این فصل پایانی ما را به مقصد و مقصودمان می‌رساند، یعنی به این واقعیت می‌رسیم که اصول اقتصادی قابل تعمیم به هر گوشه از جهان‌مان هستند. و این به ما می‌آموزد که می‌توانیم درک خود را از جهان پیرامون‌مان با افزودن روش‌بینی‌هایی از خواهرخواندگان علم اقتصاد - علوم‌ی چون روانشناسی، تاریخ، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی - گسترش دهیم.

اقتصادی دارند: بازار کار، بازار اعتبارات و بازار مربوط به ذخایر بانکی. فصل ۲۳ با بازار کار شروع می‌شود - تقاضا و عرضه نیروی کار. ما ابتدا به توصیف تعادل استاندارد در حالت رقابتی می‌پردازیم که در آن دستمزد و میزان اشتغال نیروی کار در محل تقاطع منحنی‌های عرضه و تقاضای نیروی کار به دقت تعیین می‌گردند. سپس نشان خواهیم داد چگونه انعطاف‌پذیری ناقص دستمزدها سبب بیکاری می‌شود. ما در ادامه از این چارچوب برای بحث در مورد عوامل بسیاری که بر بیکاری اثر می‌گذارند، از جمله منشاءهای اصطکاک و ساختاری آن استفاده می‌کنیم.

فصل ۲۴ با وارد ساختن اعتبارات تحلیل ما را بسط می‌دهد. ما تشریح می‌کنیم که چگونه نظام مالی مدرن وجوه را میان پس‌اندازکنندگان و قرض‌کنندگان به گردش درمی‌آورد. همچنین به توصیف انواع گوناگون تکانه‌هایی خواهیم پرداخت که می‌توانند یک نظام مالی را بی‌ثبات سازند. ما به نحوه اتصال عرضه و تقاضا در بازار اعتبارات، توسط بانک‌ها و دیگر واسطه‌های مالی نگاه می‌اندازیم. با استفاده از ترانزنامه‌های بانکی ریسک قبول تعهدات کوتاه مدت و انجام سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت را توضیح می‌دهیم.

فصل ۲۵ نظام پولی را معرفی می‌کند. ابتدا کارکردهای پول را توضیح می‌دهیم. سپس در این فصل «فدرال رزرو» (بانک مرکزی آمریکا) معرفی و نقش اصلی نظام پولی - به ویژه نقش عرضه و تقاضا در بازار ذخایر بانکی - به تصویر کشیده می‌شود. ما نقش فدرال رزرو را در کنترل ذخایر بانکی و اثرگذاری بر نرخ بهره، به ویژه نرخ بهره مربوط به ذخایر بانک‌ها (یا نرخ وجوه فدرال)، به تفصیل بیان می‌کنیم. این فصل علل تورم و هزینه‌ها و فواید اجتماعی آن را توضیح می‌دهد.

سرانه حدود ۲۵ مرتبه بیشتر از میزان آن در ۱۸۲۰ است. در این بحث ماهیت «تصادی» رشد اقتصادی را تشریح می‌کنیم؛ ماهیتی ناشی از این واقعیت که رشدهای جدید بر رشدهای گذشته سوار می‌شوند. که معنای آن این است که تفاوت‌های کوچک در نرخ‌های رشد می‌تواند طی چندین دهه به تفاوت‌های بزرگ در درآمد سرانه بیانجامد. ما نحوه اتکای رشد پایدار اقتصادی را بر پیشرفت در فناوری توضیح می‌دهیم و بررسی می‌کنیم چرا کشورهای مختلف مسیرهای رشد بلندمدت متفاوتی تجربه کرده‌اند. همچنین بر این نکته انگشت تأکید می‌کنیم که رشد اقتصادی همه شهروندان را به صورت برابر بهره‌مند نمی‌سازد. برای برخی شهروندان فقر نتیجه فرعی و ناخواسته با رفت و آوارانه است. برای آموزگاران که خواهان برداشتن عواقب از رشد و عوامل تعیین‌کننده در GDP هستند، یک نتیجه ساده شده از «مدل سولو» را در پیوست این فصل برای مطالعه بیشتر ارائه می‌کنیم.

چرا برخی کشورها به میزان کافی در سرمایه فیزیکی و انسانی سرمایه‌گذاری نمی‌کنند، بهترین فناوری را به کار نمی‌گیرند، و سازمان تولید خود را کارآمد نمی‌سازند؟ به عبارت دیگر، چرا تمامی جهان از لحاظ اقتصادی توسعه‌یافته نیست؟ فصل ۲۲ به این پرسش می‌پردازد و علل بنیادین رفاه را مدنظر قرار می‌دهد. ما در مورد چندین علت بنیادی بالقوه، و به طور مشخص جغرافیا، فرهنگ و نهادها بحث خواهیم کرد و استدلال می‌کنیم که چرا عوامل جغرافیایی - که غالباً بر آنها تأکید می‌شود - به نظر نمی‌رسد توجیه‌کننده بخش بزرگی از شکاف عظیم میان کشورها در زمینه رفاه اقتصادی باشد.

در بخش هفتم، تعادل در اقتصاد کلان سه بازار اصلی را مورد بحث قرار می‌دهیم که نقشی محوری در تحلیل‌های کلان